



اشاره

چندی پیش، طی تماس تلفنی با آقایان دکتر متولی و آقاملابی، سرگروه‌های محترم تاریخ استان خراسان، نظر هیات تحریریه مجله را مبنی بر انجام یک گفت‌وگو با معلمان پیشکسوت آن استان مطرح کردیم. مدتی بعد، دوستان اطلاع دادند که مقدمات کار فراهم شده است. گفت‌وگوی ما عصر یک روز تعطیل، در جلسه‌ای با حضور آقایان قوامی و امینی شروع شد. ساعتی بعد، آقای نوغانی نیز به جمع ما پیوستند. در جریان این گفت‌وگو، آقایان دکتر متولی و آقاملابی همکاری خوبی داشتند و از هیچ کوششی دریغ نورزیدند که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌کنیم.

باشیم، اما تجربه ما در این زمینه نشان می‌دهد که چنین نیست؛ تجربه‌ها جمع‌آوری و تدوین نشده‌اند. ما در آغاز بحث و در اولین سؤال می‌خواهیم در مورد این جنبه از تاریخ، یعنی آموزش تاریخ، از شما بشنویم. برای مثال، دانشجوی تاریخ ۱۵۰-۱۴۰ واحد می‌گذراند، اما در باب آموزش تاریخ چیزی نمی‌آموزد؛ به خصوص این که اکثر فارغ‌التحصیلان، به آموزش و پرورش راه می‌یابند. از این رو، بسیاری از معلمان تاریخ علاقه‌مند هستند که زحمت بکشند، ولی نمی‌دانند چه طور تاریخ را آموزش بدهند که دانش‌آموزان آن را بفهمند و به آن علاقه‌مند شوند.

استاد قوامی: بنده قوامی هستم و در سال ۱۳۲۱ به عنوان آموزگار وارد آموزش و پرورش شدم. خدمت خودم را در شیروان شروع کردم. ۴ سال در شیروان بودم و بعد آمدم قوچان. در آن زمان، کسانی که در دانشسرا بودند و مدرک ششم داشتند، می‌توانستند در کنکور شرکت کنند و با استفاده از حقوق، بعد از گذراندن کنکور در دانشگاه تحصیل کنند. بنده هم در آن کنکور شرکت کردم و سال ۲۶ وارد دانشگاه تهران شدم؛ در رشته تاریخ. در آن زمان، دانشگاه ادبیات در خیابان ژاله بود و در مجاورت با دانشکده علوم. ضمناً دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شد، می‌توانست چند درس

جوادیان: ضمن تشکر از شما، می‌دانید که معمولاً همکاران ما در سراسر ایران، اعم از آقا، خانم، جوان و پیر و یا سلیقه‌های گوناگون هستند. یکی از کارهایی که ما درصدد آن هستیم، جمع‌آوری تجربه‌های تاریخی و آموزش تاریخ است. با این که شاید ۸۰-۷۰ سال باشد که رشته تاریخ وارد کشور ما شده است و قاعدتاً باید پیشینه‌ای قوی در مورد آموزش تاریخ داشته

فرصت‌ها و چالش‌ها در آموزش تاریخ

گفت‌وگو با معلمان پیشکسوت درس تاریخ استان خراسان

گفت‌وگو: مسعود جوادیان

تربیتی هم انتخاب کند و در این صورت، دانشجوی دانشسرای عالی هم حساب می‌شد. یعنی هم دانشجوی دانشسرای ادبیات بود و هم دانشجوی دانشسرای عالی. بنده هم آن چند درس را گذراندم. دوره دانشکده ۳ سال بود و من بعد از ۳ سال تحصیل به قوچان برگشتم و در دبیرستان‌های قوچان شروع کردم به آموزش تاریخ. از دوره دانشکده خاطراتی دارم که اگر فرصت باشد، آن‌ها را عنوان می‌کنم.

جوادیان: از استادانتان بگویید.

استاد قوامی: تدریس جغرافی یا آقای مسعود کیهان بود که از وزرای وقت بودند. درس تاریخ هم با مرحوم وحیدالملک شیبانی، قهرالله فلسفه و رشید یاسمی بود. مرحوم رشید یاسمی مردی بسیار متواضع، خوش برخورد و دانشمند بود. ایشان پسر محمدرولی خان کرمانشاهی، مشهور به رشید یاسمی کرمانشاهی بود. آن وقت‌ها در دانشگاه ادبیات، هر چند وقت یک‌بار جلسه‌ای می‌گذاشتند برای دانشجویان، و اسناد می‌آمدند و برای دانشجویان صحبت می‌کردند. ایشان که تاریخ اسلام درس می‌دادند، یک جلسه آمدند و شروع به صحبت کردند. بعد از نیم ساعت، زبانشان انکار لکنت پیدا کند، دیگر نمی‌توانستند کلمات را خوب ادا کنند و گفتند، به

جوادیان: چه سالی بود؟

استاد قوامی: فکر می‌کنم سال ۱۳۳۳ بود. یک کتاب تاریخ هم برای چهارم نوشتیم. آن وقت‌ها دبیرستان به صورت ۶ کلاس بود. برای چهارم هم نوشتیم. برای ۳ کلاس هم کتاب جغرافی نوشتیم. در آن زمان، انتخاب کتاب برای کلاس آزاد بود؛ یعنی این طور نبود که تمام کشور به صورت یکتواخت باشد.

من در سال ۱۳۳۵، به عنوان رئیس دبیرستان «خسروی» انتخاب شدم و پنج سال در آن سمت بودم. بعد از آن به دبیرستانی به نام «امیرکبیر» منتقل شدم و پنج سال هم آن‌جا بودم. در مشهد دبیرستانی شاخص و قدیمی بود که الان اسم آن «دکتر شریعتی» است. بعد از دبیرستان امیرکبیر به این دبیرستان منتقل شدم. ضمناً از سال ۱۳۳۶، بنده را به دانشکده برای تدریس دعوت کردند و تقریباً تا سال ۱۳۵۰ در این دانشگاه بودم.

جوادیان: تدریس چه درس‌هایی با جناب عالی بود؟

استاد قوامی: ابتدا تاریخ اسلام. بعد درس‌های دیگر تاریخ ایران و تاریخ عمومی هم به آن اضافه شد. در این دوره دانشکده تعدادی مسافرت داشت که یکی از آن‌ها به هندوستان بود که ما از طریق پاکستان به هندوستان رقیتم و باز از طریق پاکستان و افغانستان برگشتم.

جوادیان: ببخشید، شما دانشجویان را بردید یا فقط استادان در این سفر حضور داشتند؟

استاد قوامی: من فقط دانشجویان را بردم. از استادان هم تعدادی بودند. دکتر شریعتی به مناسبتی در آن مسافرت بودند، ولی اصل مسافرت برای دانشجویان بود. مسافرت خوبی بود. با دانشجویان به غرب و جنوب ایران هم رقیتم. در سال ۵۶ از آموزش و پرورش بازنشسته شدم.

جوادیان: جناب قوامی، آیا شما کتاب‌های سال‌های اخیر آموزش و پرورش را دیده‌اید؟

استاد قوامی: نگاهی سطحی داشته‌ام.

جوادیان: چه تفاوتی بین کتاب‌های قبل از انقلاب و بعد از آن مشاهده می‌کنید؟

استاد قوامی: من متوجه شده‌ام که کتاب‌های درسی بعد از انقلاب بهترند و آزادتر نوشته شده‌اند. یعنی اگر قبلاً محدودیت‌هایی برای نویسنده وجود داشته است، حالا این محدودیت‌ها وجود ندارد و مطالب را صحیح‌تر و واقعی‌تر می‌نویسند.

جوادیان: جناب امینی نظر شما چیست؟ کتاب‌های درسی قبل از انقلاب با بعد از انقلاب چه تفاوتی دارند؟



استاد قوامی

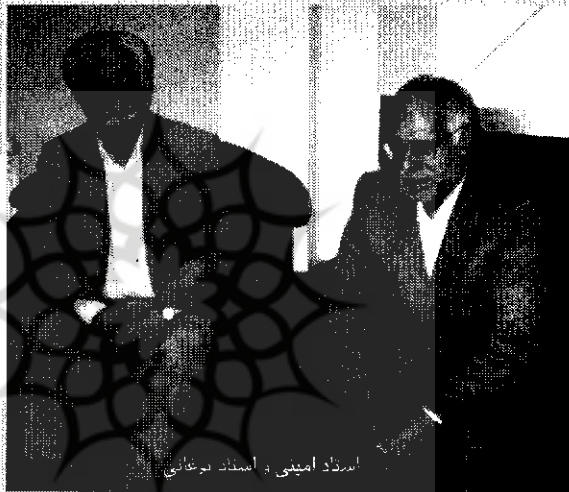
من اجازه بدهید که بشنیم. نشستند و بعد از چند دقیقه از روی صندلی افتادند. جلسه به هم خورد و ایشان به بیمارستان رفتند و معلوم شد که سکته کرده‌اند. بعد از چند ماهی هم فوت شدند. من یک سال در قوچان ماندم و بعد منتقل شدم به مشهد و در دبیرستان‌های این شهر تدریس می‌کردم تا این که با مرحوم دکتر سعیدی آشنا شدم. با پیشنهاد ایشان و به اتفاق هم، یک دوره کتاب تاریخ و جغرافی برای دوره اول دبیرستان نوشتیم.

استاد امینی: بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن تشکر از شما عرض کنم که قبل از انقلاب، سانسور عمیق در کتاب‌ها بود. بعد از انقلاب را هم باید به چند مرحله تقسیم کرد. من ترجیح می‌دهم، این بحث را برای فرصتی دیگر بگذارم، اما یکی از عواملی که در مورد مهجور بودن تاریخ و علوم اجتماعی، آقای قوامی هم فرمودند، همین غیرتحلیلی بودن و یکسویگری در تاریخ بود. تاریخ اصلاً تحلیلی نبود، نقلی و وقایع‌نگاری بود. روزشمار بود. همین یکسویگری در تاریخ باعث شد که جذابیت درس در دبیرستان‌ها افت فوق‌العاده‌ای کند.

به نظر من تاریخ همزاد یا پسر است و همراه او تا این جا آمده است. تاریخ در سنت و دین ما، جایگاه خاصی دارد و بیش از ۵۰ درصد آیات قرآن کریم

امینی:

درسی با این اهمیت که چراغی است برای راهنمایی ملت و هویت ملی ما از آن گرفته می‌شود، این قدر مهجور است. این موضوع باید ریشه‌یابی دقیق شود



استاد امینی و استاد روحانی

و امتحان می‌دادند، ولی نه به اهمیت ریاضی و برخی درس‌های دیگر. من در همان سال‌های تدریس در دبیرستان از دانش‌آموزان می‌خواستم که تحقیق کنند و منابعی در اختیار آن‌ها می‌گذاشتم. جوادیان: ممنون. جناب امینی، شما در این باره چه نظری دارید؟

استاد امینی: عرض کنم خدمتتان، ریشه‌های تمایل نسل جوان و نسل امروز به تاریخ چیست؟ در دانشگاه فردوسی در خدمت آقای قوامی بودیم و همکاری داشتیم. ۲۲-۲۳ سال قبل نیز، در مراکز تربیت معلم تدریس می‌کردم که از آن جا بازنشسته شدم. درسی که من می‌دادم، شامل جذاب‌ترین بحث‌های تاریخ بود و دانشجویان از آن استقبال می‌کردند. چه علنی داشت که دانشجوی رشته مهندسی یا پزشکی سر کلاس دکتر شریعتی می‌نشست؟

در مدتی که شریعتی در مشهد تدریس می‌کردند و در تهران، ۵۰۰ تا هزار دانشجویان از ساعت ۵ تا ۱۲ شب در کلاس می‌نشستند. علتش چه بود؟ چون تاریخ را تحلیل می‌کرد و به چگونگی‌ها و چراها در تاریخ می‌پرداخت

به علل ضعف و قوت اقوام که این‌ها همه در قرآن هستند.

مرحوم شریعتی چیزی اضافه نمی‌گفت، بلکه مطالب را استنباط می‌کرد و به دانش‌آموز ارائه می‌داد و به همین دلیل درس او جذاب بود. ولی درس تاریخ امروز مهجور است. من در کلاس‌ها و مدرسه‌ها می‌دیدم که دانش‌آموز هیچ میل و رغبتی برای یادگیری تاریخ ندارد.

علوم اجتماعی از مهجورترین درس‌های دبیرستان‌هاست؛ متأسفانه برخلاف کشورهای پیشرفته که نخبگان آن‌ها در زمینه علوم اجتماعی و تاریخ کار می‌کنند. در دانشگاه هاروارد، مهم‌ترین بخش دانشگاه مربوط به کسانی است که تاریخ مطالعه می‌کنند و تاریخ و علوم اجتماعی درس می‌دهند.

جوادیان: جناب قوامی، از مرحوم شریعتی صحبت کنید و گذشته از ایشان از سایر استادان.

استاد قوامی: وقتی ایشان به مشهد منتقل شد، من در دانشسرای مقدماتی درس داشتم و مرحوم دکتر در این کلاس‌ها دانش‌آموز بود. سال‌ها گذشت و ایشان که مراحل را طی کرده بودند و جزو نخبگان تاریخ در ایران و کشورهای اسلامی بودند، هر وقت مرا می‌دیدند

بحث‌های تاریخی است. شما وقتی که قیام حضرت موسی را در قرآن می‌خوانید، مشاهده می‌کنید که بحثی کاملاً تاریخی است. وقتی سوره محمد (ص) می‌آید، بحث تاریخ است. جنگ‌های پیامبر هم موضوع بحث تاریخ هستند. اگر ما با روشی تحقیقی در قرآن عمل کنیم، می‌بینیم که بیش از نیمی از بحث‌های قرآن تاریخی هستند.

علی (ع) به فرزندش توصیه می‌کند که تاریخ مطالعه کند. بنا مطالعه تاریخ می‌تواند با انسان‌های قبل زیست و آن‌ها را شناخت. درسی با این اهمیت که چراغی است برای راهنمایی ملت و هویت ملی ما از آن گرفته می‌شود، این قدر مهجور است. این موضوع باید ریشه‌یابی دقیق شود.

جوادیان: خیلی متشکرم. جناب آقای قوامی، در طول سالیانی که تاریخ درس داده‌اید، به چه شیوه‌ای آن را درس می‌دادید که دانش‌آموز یا دانشجویان به درس علاقه‌مند شود و مجدوب درس شود، و مطلب را بفهمند؟

استاد قوامی: در دبیرستان، تاریخ درسی بود که باید می‌خواندند

یادآوری می‌کردند که یک وقتی دانش آموز من بودند. بنده مشرف شدم به مکه و اطلاع پیدا کردم که گروهی از ارشاد آمده‌اند و بعد فهمیدم که آقای دکتر هم با آن‌ها هستند.

جوادیان: منظورتان حسینیه ارشاد است؟

استاد قوامی: بله. یک روز خدمتشان رسیدم، باز به عنوان این که معلم ایشان بوده‌ام، بنده را معرفی کردند و خواستند که همراه ایشان باشم. بعد از ظهر ایشان برنامه‌ای داشتند به نام جغرافیای مکه و می‌دانید که اغلب کسانی که به زیارت می‌روند، جاهای دیگر مکه را نمی‌شناسند. در این برنامه، بنده و گروهشان را به احد بردند. در مدینه، در احد و آن دره‌ای که پیامبر دستور حفظ آن را داده بود و آن‌جا مساجد گوناگونی هم هست، در خدمت ایشان بودم. ایشان تک‌تک سوابق را فرمودند و ما از فرمایشات ایشان استفاده کردیم. جوادیان: از استادان خودتان در زمان تحصیل فرمودید، نظیر مرحوم وحید الملک شیبانی و دیگران. از نحوه تدریس آن‌ها بگویید. بیشترین تأثیر را شما از چه کسی گرفته‌اید؟

استاد قوامی: در آن زمان، تاریخ و جغرافی با هم بود و ما استادی داشتیم به نام دکتر مستوفی. ایشان استاد جغرافی بود. به هر علتی بود، دانشجویان از او خیلی حساب می‌بردند. کلاس در جایی واقع شده بود که دفتر دانشکده دیده می‌شد. ساعتی که با ایشان درس داشتیم، ایشان از دفتر بیرون می‌آمدند، وارد کلاس می‌شدند و شروع به جزوه گفتن می‌کردند. آن وقت‌ها خودکار نبود، خودنویس بود. همه خودنویس‌ها آماده بودند. ایشان بدون تأخیر می‌آمدند و تا آخر ساعت مطلب می‌گفتند. ایشان هم از دانشجویان می‌خواستند که از مسائل مختلف جغرافیا صحبت کنند. ما را به شمال ایران بردند و در بین راه، درباره پدیده‌های گوناگون محل برای ما صحبت می‌کردند.

جوادیان: آقای امینی شما بیشترین تأثیر خودتان را از کدام استاد گرفتید؟

استاد امینی: ورود من به دانشکده همزمان بود با رفتن دکتر شریعتی به تهران. من غیرمستقیم از چند استاد متأثر هستم. ما استاد‌های برجسته‌ای داشتیم، البته نه در شاخه تاریخ. البته زمان ما تاریخ و جغرافی را به رشته فرعی و اصلی تقسیم کرده بودند. مثلاً جغرافی اصلی بود تاریخ فرعی و یا تاریخ اصلی و جغرافی فرعی. ما استادی داشتیم که الان هم زنده هستند: آقای دکتر سیروس سهامی که آدمی بسیار باسوادی بود و کلاس را به خوبی اداره می‌کرد. خانم دکتر خرمشند بود که ایشان الان در فرانسه است. یک هم‌کلاسی هم داشتیم به نام آقای دکتر پاپلی یزدی که وقتی دانشجو بود، به اندازه یک استاد برجسته سواد داشت.

ولی من دوست دارم که مقدار بیش‌تری درباره تدریس تاریخ در

مدرسه‌های ابتدایی، راهنمایی یا دبیرستان صحبت کنیم و تجربه‌های خودمان را در اختیار بگذاریم. این که چرا علوم اجتماعی این قدر در جامعه مهجور است و چرا هر معلمی از هر جا بلند می‌شود، شروع می‌کند به تدریس تاریخ و می‌گوید بلد نیستم و به او می‌گویند، آقا شما از رو بخوان، مهم نیست.

جوادیان: موافقم. تلاش بنده هم در این نشست این است که بیش‌تر به این موضوع بپردازیم.

استاد امینی: چرا به شیمی، ریاضی یا فیزیک اهمیت زیادی می‌دهند، در صورتی که اگر ما انسان نداشته باشیم، ریاضی و شیمی به درد نمی‌خورد. فارغ‌التحصیلان رشته‌های فیزیک، شیمی و رشته‌هایی از این قبیل، به همین شکل نخبه می‌شوند و بعد به آمریکا، لندن، پاریس، سوئیس و سوئد می‌روند و هیچ فایده‌ای هم به حال جامعه ندارند. علوم اجتماعی درسی است برای چگونه انسان بودن. این را ما باید به نسل جوان خودمان یاد بدهیم؛ نسلی که سراسیمه به سوی بی‌هویتی می‌رود؛ به طوری که به هیچ چیز متکی نیست.

مرحوم دکتر شریعتی نقل می‌کردند که من در زندان بودم از زندان که آزاد شدم، دیدم که همسرم خیلی ناراحت است و می‌گوید که شما به زندان می‌روید و بچه‌ها را ول می‌کنید. رئیس دبیرستان دخترم سارا من را خواست و گفت که خانم شما چرا از بچه‌های خودتان مراقبت نمی‌کنید؟ پرسیدم مگر چه کرده، گفت دختر شما در توالت‌های مدرسه شعارهای ضدنظام نوشته است.

مرحوم دکتر می‌گوید، آن‌جا فهمیدم که از آنجا باید آغاز کرد و چه باید کرد. اگر می‌خواهیم متولیان خوبی برای درس تاریخ باشیم، باید مطالب را ریشه‌یابی کنیم. عرض کردم که یکی از معایب درس تاریخ در نظام فعلی این است که ما تاریخ را به همان روش قدیم، یعنی به روش تکیه بر محفوظات درس می‌دهیم. استفاده از اسلاید و فیلم و نقشه در کار تاریخ وجود ندارد. ما باید تاریخ را به صورت علمی و با استفاده از وسایل کمک آموزشی پیش ببریم.

اصلاً در درس تاریخ معلم محور است. الان در درس تاریخ در مدرسه‌های کشور می‌بینید که معلم مطالب را طوطی‌وار نقل می‌کند و از دانش‌آموز می‌خواهد که بیاید، همان را نقل کند. در صورتی که ما باید بتوانیم تاریخ را در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان با داستان‌گویی در مورد تاریخ برای دانش‌آموز شیرین کنیم و آن را به یک درس علمی تبدیل کنیم. در جغرافی تحولاتی پیش آمده است، ولی متأسفانه هیچ تحولی در آموزش تاریخ پیش نیامده است.

می‌بینیم که در بخش تحقیقاتی مدام برای معلم‌های ریاضی، شیمی، علوم و... بازآموزی می‌گذارند، ولی برای درس تاریخ این

طور نیست. الان دبیر ادبیات، هنر، عربی و مانند این‌ها، علوم اجتماعی هم درس می‌دهند و من وقتی با آن‌ها مواجه می‌شوم، می‌بینم که الفبای روش تدریس تاریخ را بلد نیستند. یعنی همان‌طور که می‌گویند نثر فارسی را بخوان، با همان روش هم می‌گویند، تاریخ را بخوان و بیا جواب بده. این وضع ما را به این جا رسانده است که متولیان خوبی برای درس تاریخ نباشیم و نتوانیم این درس را که هویت ملی، هویت اسلامی، هویت فرهنگی و قومی دانش‌آموز بر آن استوار است، جذاب و شیرین کنیم.

ما از دوستان در دفتر برنامه ریزی تقاضا می‌کنیم، برای ماندن ما در صحنه تاریخ کاری نکنند. تاریخ

شناسنامه ما و هویت ملی ماست. اگر انسانی شناسنامه نداشته باشد، هیچ هویتی ندارد. اگر ما نتوانیم تاریخ را به دنیا و یا حداقل به نسل خودمان معرفی کنیم، جامعه‌ای بی‌هویت و سرگردان خواهیم داشت. اگر نسل جوان واقعیت‌ها را بداند، هیچ اشکالی ندارد. اگر معلم‌ها به واقعیت‌ها بپردازند و آنچه را که اتفاق افتاده است، بگویند، این درس برای دانش‌آموز شیرین و جذاب می‌شود.

جوادیان: جناب نوهانی حضرت عالی بفرماید.

استاد نوهانی: محله ما، یعنی محله «نوغان»، یکی از کهن‌ترین محله‌هایی است که قبل از حرم امام رضا (ع) وجود داشته است. پدرم از شاگردان مرحوم آخوند ملا یاقچر خراسانی است. او سال‌ها در نجف تحصیل کرده و به درجه اجتهاد رسیده است. یکی از آثار او هم به نام «منابع الاحکام» چاپ شده است. ایشان جواز اجتهاد هم دارد.

من در محله نورحان به دنیا آمدم. پس از دوران ابتدایی، پدرم خواست که در کسوت روحانیت وارد شوم. در آن زمان، شیخ مرتضی مطهری هم از فریمان آمده بود. ما در مدرسه «خیرات خان» بودیم و بعد ایشان به قم رفت و من در مشهد ماندم و چندسالی در این وادی قدم زدم و بعد به دبیرستان برگشتم. در «دبیرستان فردوسی» در خدمت استاد قوامی و شاگرد ایشان بودم و هنوز یادم هست، کنفرانسی بود و همان مرا تشویق کرد و به تاریخ علاقه پیدا کردم. با زمینه ذهنی که داشتم، به رشته ادبی رفتم. در دبیرستان شاهرضای آن زمان، استادان خوبی داشتم.

در داستان ۲۸ مرداد، بنده سخت به مصدق دل بسته شدم و او

را بزرگ‌ترین شخصیت معاصر ایران می‌دانستم؛ مردی متدین و نمازگزار. این که می‌گویم نمازگزار برای این است که افسری در کلاس‌های شبانه شاگرد من بود و می‌گفت که من افسر زندان بودم و مصدق بعد از نماز، قرآن می‌خواند. این موضوع که پیش آمد، پدرم مرا از رفتن به تهران بازداشت. دوستی مرا به تبریز خواند و به آن جا رفتم و امتحان دادم. روز امتحان فردی که برگه امتحان را می‌گرفت، گفت اسمم را بنویسم. نوشتم: نوهانی.

پرسید آیا شما پسر مرحوم نوهانی هستید؟ گفتم بله. بلند شد، به من احترام گذاشت و رویوسی کرد. این مرد ادیب طوسی نام داشت و استاد دانشکده علوم بود. معلوم شد که او شاگرد مرحوم پدرم بوده است. ما ندیدیم و خواندیم.

جوادیان: در چه رشته‌ای تحصیل کردید؟
استاد نوهانی: من لیسانس تاریخ و جغرافی هستم و در واقع تاریخ، جغرافی، روان‌شناسی و روان‌شناسی کودک به ما درس می‌دادند. بالاخره درس تمام شد و برگشتیم.

جوادیان: چه سالی برگشتید؟
استاد نوهانی: سال ۱۳۳۵ بود. من استخدام شدم و به دبیرستان رفتم که درس یازدهم و قرار شد مجله‌ای را اداره کنم که قبلاً دکتر یوسفی راه انداخته بود. دکتر یوسفی که ششم ادبی درس می‌داد، مرا انتخاب کرد، برای تصحیح متن چاپخانه تقریباً

هفته‌ای ۳ روز بود و ۳ ساعت می‌آمد. خیلی چیزها از وی آموختم. در این مجله شروع کردم به مطلب نوشتن. اولین مقاله‌ای که نوشتم، سال ۳۸-۱۳۳۷ بود. این جریان ادامه داشت تا این که متأسفانه بعد از انقلاب، مرحوم یوسفی به تهران رفت و چند کتاب چاپ کرد. او در هنر موسیقی بسیار توانا بود و در دانشگاه تهران تاریخ هنر درس می‌داد. چند سال بعد، هوس ادامه تحصیل به سرم زد. در دانشگاه بیش‌تر در خدمت دکتر رضوانی و دکتر مشکور و دکتر خان بابایی و دکتر نصرالله فلسفی، مرحوم پورداوود و مرحوم فروشی بودم.

جوادیان: از میان این‌ها، کدام شما را بیش از همه به خودش جذب کرده بود؟

نوهانی: دکتر مشکور.

جوادیان: چرا؟

نوهانی: اول این که در دوره لیسانس معلم من بود. به علاوه، آدمی جامع بود. تا کسی او را از نزدیک نمی‌دید، نمی‌فهمید که چه دریایی است؛ به خصوص ایران قدیم را خوب تدریس می‌کرد.



استاد قوامی:

و شده است سلطان محمود غزنوی. بعد کسی دیگر آمده، سلسله ای متفرع شده و سلسله ای دیگر ایجاد شده است. آیا مردم هم در این تغییرات دخالتی داشته اند یا نه؟ ظاهراً معلوم شده است که مردم هیچ دخالتی نداشته اند. قضاوت درباره این سلاطین هم کار مشکلی است. فرض کنید، آیا شاه عباس یا نادر شاه آدم های خوبی بوده و خدمت کرده اند به مردم، یا نه. یک نفر زمانی مطلبی نوشته است راجع به شاه عباس و یا سایر سلاطین، و نظرات بعدی همان را ملاک خودشان قرار داده اند و به همان استناد کرده اند. او نوشته که نادر آدم قاطعی بوده و خدمت کرده است، ولی در این که آدم کشورداری نبوده، توهیدی نیست؛ چون اگر او در زمان خودش به آینه اش فکر می کرد، لاف و وضع حکومت بعد از مرگش به آن صورت در نمی آمد که هر کس در هر گوشه ای از مملکت ادعا کند که من حاکم هستم. یا مثلاً، او پسر خودش را کور کرده است.

به هر حال، به نظر من اگر علل وقایع تاریخی به کتاب درسی اضافه شود، کار بزرگی انجام شده است. البته علل آن طوری که واقعیت دارد، نه این که علتی را بتراشند؛ علت واقعی را بگویند. البته به نظر من، در کل تاریخ اشراف و اعیان زمان مؤثر بوده اند و مردم دخالتی نداشته اند. عده ای که اطراف حکومت قبلی بودند و سعی می کردند که در حکومت بعدی باشند، به اقتضای شغل خود و دوری و نزدیکی با شخص اول مملکت، مطلب می نوشتند. کسانی هم که می خواستند تاریخ بنویسند، یا استفاده از مطالب شخص قلی مطالبی را جمع آوری می کردند.

جوادیان: جناب نوعانی حالا حضرت عالی بفرمایید. شما فرمودید که نیم قرن سابقه تدریس داشته اید. حالا بعد از این مدت، به نظر شما کتاب درسی تاریخ که ما دست دانش آموز می دهیم، باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟ منظرم دوره دبیرستان است.

استاد نوعانی: قبلاً چه به او آموخته اید؟

جوادیان: اجمالی از تاریخ ایران.

استاد نوعانی: باید کاری ریشه ای انجام دهید و سیر تاریخ را در هر دوره جلو ببرید. باید مطالعه کنید ببینید در اسپانیا، فرانسه یا آلمان، دانشجویی که به او لیسانس تاریخ می دهند، چه درس هایی را خوانده است. ما خیلی چیزها را باید الگو برداریم. ما باید یک مسیر

به نظر من، در کل تاریخ اشراف و اعیان زمان مؤثر بوده اند و مردم دخالتی نداشته اند. عده ای که اطراف حکومت قبلی بودند و سعی می کردند که در حکومت بعدی باشند، به اقتضای شغل خود و دوری و نزدیکی با شخص اول مملکت، مطلب می نوشتند

و خدمت ها کردم و مقالاتی هم راجع به فردوسی نوشتم. بعد به فکر افتادم، تحصیل را ادامه دهم. مرخصی گرفتم و به فرانسه رفتم. در آن جا شخصیتی که مرا تحت تأثیر قرار داد، پروفیسور اکسیوری بود که در زمینه تاریخ معاصر کار می کرد و اطلاعات بسیار خوبی داشت.

به هر حال شروع به کار کردم و دریاچه روابط ایران و فرانسه به تحقیق مشغول شدم. در آن جا باید تحقیقاتی انجام می دادیم. گروهی تشکیل می شد و کار شما انجام می گرفت. یک استاد از پاریس و یک استاد از دانشگاهی دیگر می آمد.

بالاخره بنده را قبول کردند و منتری هم دادند. بعد هم نوبت رساله رسید که موضوع آن روابط فرهنگی ایران و فرانسه در قرن نوزدهم بود. این کار را تمام کردم. استاد قبول کرد که به فرانسه بروم و از کارم دفاع کنم، اما به دلیل برخورد ناشایست یکی از کارمندان وزارت علوم، با او درگیر شدم و اصلاً از رفتن به فرانسه منصرف شدم. مدتی بعد هم بازنشسته شدم و دست تقدیر مرا با یکی از مسوولان دانشگاه آزاد آشنا کرد. به پیشنهاد ایشان رشته تاریخ را در دانشگاه آزاد پیچونده تأسیس کردیم و تدریس تاریخ را ادامه دادم. در مجموع ۵۰ سالی است که با آموزش سروکار دارم.

جوادیان: با تشکر. به محور سابق صحبتیمان برمی گردیم. جناب قوامی، اگر از شما پرسند که بعد از این همه سال تدریس و سروکار داشتن با کتاب های گوناگون، کتاب درسی مناسب به نظر شما باید چه ویژگی هایی داشته باشد، چه می گویند؟

استاد قوامی: آن طور که فرمودند، باید حقایق تاریخ را بیان کند. مثلاً فرض کنید کسی آمده، شرایطی فراهم شده او به سلطنت رسیده



پوشگاه علوم و فناوری اطلاعات
رتال جامع علوم انسانی

کلی از آغاز دوره ابتدایی تا دانشگاه در نظر بگیریم؛ یک جا کم تر یک جا وسیع تر و یک جای دیگر کامل تر.

جوادیان: اگر این کار را بکنیم، مشکل پیدا می کند.

استاد توهانی: هر جا مشکل است، دروغ نویسیم؛ حذفش کنیم. جوادیان: منظور من چیز دیگری است. از بچه هایی که به سوم راهنمایی می رسند، عده ای به علوم انسانی می روند که تاریخ دارند و عده ای به رشته های دیگر می روند که فقط دو واحد تاریخ دارند.

استاد توهانی: تا دوره راهنمایی، کلیاتی از تاریخ عمومی کشور، مخصوصاً قاجار بگویند. بعد از آن، به نسبت شاخه ای که می خواهند تحصیل کنند، مطالب را ارائه کنید.

دیگر این که در دانشکده های ما باید تاریخ را حتماً در مقطع لیسانس، با جغرافی درس دهند؛ همان طور که قبلاً بود. فرض کنید، می خواهید در رابطه با استعمار هند بگویید، باید به دانش آموز یا دانشجو هند را بشناسانید؛ به خصوص آن هایی که برای کار معلمی تربیت می شوند. شیوه سابق درست بود. باید تاریخ و جغرافی را با هم بخوانیم. دانشجوی رشته تاریخ تحصیلش را تمام می کند، اما جغرافیا نمی داند. سیستان، لرستان یا آذربایجان را نمی شناسد از موقعیت خوزستان بی اطلاع است.

در دانشکده ها باید جغرافی با تاریخ باشد. من می گویم که تاریخ یک ظرف زمان دارد و یک ظرف مکان. کمی و کجا نادر اکتشد؟ بنابراین، اگر بخوایم اصولی حرکت کنیم، هیچ ایرادی ندارد که از دیگران تقلید کنیم. دانشجوی رشته تاریخ در اروپا باید برود و باستان شناسی کار کند. به او ما موریت می دهند که ۲-۳ ماه برود و باستان شناسان کار کنند. رشته تاریخ، رشته گسترده ای است. قوم شناسی، زبان شناسی و ژئودشناسی باید بخوانند. باید جغرافی بداند. جوادیان: یعنی به طور خلاصه منظورتان این است که دانش جغرافی باید با تاریخ همراه باشد.

استاد توهانی: این اعتقاد من است. در گذشته، اهمیت این موضوع را می دانستند و فهمیده بودند و این کار را بی خودی انجام نمی دادند. در دوره فوق لیسانس می توان این دو رشته را جدا کرد و دانشجویان کلاس های تخصصی داشته باشند. اگر می خواهیم یک رفرم ایجاد کنیم، این رفرم را باید با مسؤولان برنامه ریزی کنیم. مسافرت ها و کنفرانس های علمی داشته باشید و ۴-۵ سمینار بگذارید. از استادان خارجی دعوت کنید و به استادان جوان بورس بدهید، بروند ۴-۵ سال کار کنند. آدم وقتی آن جا می رود، می فهمند که چیزی نمی داند و می بیند که چه طور کار می کنند. یک محقق، این جا باید برود شکم زن و بچه اش را سیر کند، ولی آن جا زندگی اش تأمین است. ما باید زندگی مردم را تأمین کنیم. من شنیدم که معلمی مدیر آژانس است و در تاکسی تلفنی

کار می کند. کار بدی نیست، اما این معلم دیگر حوصله تدریس ندارد و بیش تر یک قصه گو است.

جوادیان: جناب امینی اگر شما ناگفته ای دارید، بفرمایید. مخصوصاً درباره کتاب درسی مناسب.

استاد امینی: ویژگی یک کتاب درسی مناسب، اول اهمیت دادن به درس است. یعنی ما باید همان ضرب المثل معروف را که احترام امامزاده به متولی آن است، در نظر داشته باشیم. منظور من از متولی، خود ما هستیم. معلم تاریخ اگر مطالعه و تحقیقی کرد و با دریافت حقایق سرکلاس رفت، کلاسش جذابیت خاصی پیدا می کند. اهمیت دادن به درس تاریخ و متولیان، از بالا شروع می شود.

مسؤولان ذیربط باید به این درس اهمیت بدهند. به علاوه من خواهش می کنم، پرسش ها را از آخر درس های دوره راهنمایی بردارید؛ چون همان ها را می گویند و از همان ها هم امتحان می گیرند. در حالی که تاریخ یک جریان فهمیدنی است، نه یک جریان پرسش و پاسخ.

معروف است که برای ضربه زدن به یک حقیقت به آن حمله نکنید، بلکه از آن بد دفاع کنید. در حال حاضر از علوم اجتماعی و تاریخ در جامعه ما بد دفاع می شود. مطلبی که استاد فرمودند و من استفاده کردم، صحیح است. چه اشکالی دارد که ما بودجه ای بگذاریم و این معلم تاریخ برود سیستان و تخت جمشید را ببیند؟ معلمان ما باید جهان دیده باشند. علت این که سید جمال، سید جمال شد، این بود که ایران، فراتسه، هند و انگلیس را دید و شد سید جمال، مادر شبه قاره هند، مسلمانان، فقیهان و تحصیل کردگان بزرگی داریم. اما کدام این ها اقبال لاهوری شدند؟

مطهری اگر مطهری شد، به این علت بود که هجرت کرد. متأسفانه برای معلم تاریخ هیچ هجرتی وجود ندارد؛ برای این که جایی را ندیده است. معلمان تاریخ لا اقل باید مکان های دینی و موزه های آثار باستانی را ببینند.

به علاوه، روش تحقیق ما باید خارج از حب و بغض باشد. ما در تألیف کتاب باید از حب و بعضی بپرهیزیم. متأسفانه در کار تحقیقی مان، همان اول حکم را صادر می کنیم. پس پیشنهاد می کنم، در دوره ابتدایی برای دانش آموز داستان گویی داشته باشیم تا قوه تخیل او رشد کند. در دوره راهنمایی پرسش ها را از کتاب برداریم؛ برای این که این پرسش ها ملاک درس تاریخ نیستند. دانش آموز باید متن را بخواند، تحلیل کند و بفهمد. در دوره دبیرستان واقعاً دنبال تحقیق بروند و به این موضوع اهمیت بدهند. مجموعه این اقدامات باید در راهی که ما گام بر می داریم، انجام شود.

جوادیان: از این که در این گفت و گو شرکت کردید، سپاسگزارم.